

جایگاه رسانه‌های جمعی در سیاستگذاری مبارزه با فساد

توصیه‌ها و راهکارهای سیاستی

وحید آرایی^۱، شعبان نجف پور^۲، حسینعلی احمدی گرجی^۳

چکیده

با توجه به اینکه رسانه‌ها با انعکاس اخبار گوناگون در خصوص فساد می‌توانند گام بزرگی در برجسته‌سازی این پدیده شوم بردارند و این اقدام رسانه‌ها می‌تواند توجهات مردم و مسئولان را متوجه مسائل این حوزه کند و در صورت نیاز برای سیاستگذاری مورد توجه قرار گیرد و هم چنین به دلیل اینکه مقامات و مسئولان دستگاه‌های مبارزه با فساد، خواهان همکاری و مشارکت بیشتر رسانه‌های جمعی در زمینه مبارزه با فساد هستند، مقاله پیش‌رو با پاسخگویی به این سؤال که: "نقش و جایگاه رسانه‌های جمعی در سیاستگذاری مبارزه با فساد چیست و چگونه می‌توان آنها را در این امر توانمند ساخت؟" به بررسی نقش و جایگاه رسانه‌ها در سیاستگذاری مبارزه با فساد می‌پردازد. برای این منظور در ابتدا به تبیین نقش و تأثیرات حضور رسانه‌های جمعی در زمینه مبارزه با فساد می‌پردازد و در نهایت راهکارهای عملی در جهت توانمندسازی رسانه‌ها در مبارزه با فساد عرضه می‌کند. اطلاعات مورد نظر به شیوه کتابخانه‌ای و با بررسی اسناد و مدارک در این خصوص جمع‌آوری شده است.

واژگان کلیدی: رسانه‌های جمعی، فساد فراگیر، افکار عمومی، دسترسی به اطلاعات.

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران. araei@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران. najafpour@ut.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی. dr.gorji136@yahoo.com

مبارزه با فساد در حیات جوامع و دستیابی به توسعه پایدار نقش مهمی دارد. فساد با مطرح ساختن گزینه‌های سیاستی اشتباه و تشویق در پرداخت رشوه برای به دست آوردن کالا و خدمات، سبب به انحراف کشیده شدن برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود. علاوه بر این موضوع دیگری که درباره فساد مطرح می‌شود این است که اگر جلوی فساد را نگیریم، فساد رشد می‌کند (Rose-Ackerman, ۱۹۹۶, ۷۴)؛ به عنوان مثال اگر در جایی الگویی موفق از پرداخت رشوه ایجاد شود، این انگیزه برای کارمندان و افراد فاسد ایجاد می‌شود تا درخواست بیشتری برای دریافت رشوه بدهند و این امر خود سبب ایجاد فرهنگی غیرقانونی می‌شود که در اصطلاح به آن زیرمیزی می‌گویند. به طور ساده، فساد را می‌توان به عنوان «سوءاستفاده از قدرت در جهت منافع شخصی یا منافع گروهی خاص» تعریف کرد. معمولاً فساد، جایی روی می‌دهد که فرصت و تمایل به انحراف در یک زمان با یکدیگر برخورد کند و هم چنین جایی که قوانین و مقررات مبهم است و حاکمیت قانون با مشکل روبرو باشد؛ به عبارت دیگر، میزان فساد به میزان قدرت انحصاری، میزان اختیار و میزان پاسخگویی بستگی دارد؛ از این رو برای سیاستگذاری موفق در زمینه مبارزه با فساد باید همزمان به دنبال کاهش قدرت انحصاری مقامات دولتی و کاهش اختیارات آنها از طریق اصلاحات اداری و قانونی و هم چنین افزایش پاسخگویی از طریق ایجاد سازمانهای نظارتی و بازرسی باشیم؛ چنین سیاستهایی باید تضاد منافع را در بخشهای دولتی مدیریت کنند و موقعیتهایی را محدود سازند که این تضادها در آنجا شکل می‌گیرد (Klitgaard, ۱۹۹۶, ۹۴). در یک استراتژی دیگر کافمن^۱، بیان می‌کند که باید بر دانش و اطلاعات به عنوان پیش‌شرطهای اصلی برای مبارزه با فساد تأکید کرد (Kaufmann, ۱۹۹۹, ۶). به زعم او سیاستهای مبارزه با فساد زمانی نتیجه می‌دهد که دانش و اطلاعات با رهبری و اقدام جمعی همراه باشد و در این استراتژی اهمیت اطلاعات و دخالت جامعه مدنی از جمله رسانه‌ها، نقشی اساسی و محوری دارد. اصلاحات و سیاستگذاریها نه تنها توسط سیاستمداران و سیاستگذاران، بلکه توسط اعضای جامعه مدنی و به وسیله رسانه‌ها نیز مورد حمایت و نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع نقش حیاتی جامعه مدنی و رسانه‌ها، ایجاد فضایی در جامعه است که در آن رشوه و کلاهبرداری به عنوان امری مذموم شناخته شود؛ از این رو می‌توان جامعه مدنی و رسانه‌ها را به عنوان اصلی‌ترین عوامل مبارزه نظام مند با فساد در نهادهای دولتی دانست (World Bank, ۱۹۹۷, ۴۱).

در مقاله پیش‌رو به چند دلیل به نقش و جایگاه رسانه‌ها در سیاستگذاری مبارزه با فساد پرداخته می‌شود. نخست به دلیل اینکه مقامات و مسئولان دستگاه‌های مبارزه با فساد خواهان برقراری رابطه

۱ - Kaufmann

بیشتر و تعامل بیشتر با رسانه‌ها، و خواهان همکاری و مشارکت بیشتر این بخش در زمینه مبارزه با فساد هستند. دوم اینکه نقش اول رسانه در حوزه اطلاع رسانی است؛ یعنی رسانه‌ها با انعکاس اخبار گوناگون در خصوص فساد، که متوجه شهروندان و کشور است، می‌توانند گام بزرگی در برجسته سازی این موضوعات ایفا کنند. این اقدام رسانه‌ها می‌تواند توجهات مردم و مسئولان را متوجه مسائل این حوزه کند و در صورت نیاز برای سیاستگذاری مورد توجه قرار گیرد. این نقش یعنی شناخت مسئله یا معضلی اجتماعی که قرار است برای آن تدبیری اندیشیده شود که اساسی‌ترین مرحله در سیاستگذاری است. نقش دوم رسانه نیز ناشی از انعکاس جزئیات و کاربرد آنها در عرصه سیاستگذاری است. رسانه‌ها با انعکاس جزئیات مسائل می‌توانند اطلاعات وسیع و مشخصی برای عرصه سیاستگذاری و آنچه نیاز و مفید برای سیاستگذاری در این عرصه است، ایفا کنند. این پژوهش بیان می‌کند که رسانه‌های جمعی می‌توانند به طور مؤثری ترجیحات و اولویتهای شهروندان را به مشارکت معنی‌دار و مؤثری در فرایند سیاستگذاری هدایت کنند.

۱- رسانه‌های جمعی ابزاری برای رویارویی با فساد

اهمیت نقش رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای رویارویی با فساد را می‌توان در دو سطح مورد بررسی قرار داد: یکی اقداماتی است که توسط رسانه‌ها در این خصوص انجام می‌گیرد و دیگری تأثیری است که این اقدامات در جامعه بر جای می‌گذارد. اقدامات رسانه‌ها از قبیل نقد کردن سیاست یا قانونی که سبب ایجاد فرصتهایی برای فساد می‌شود؛ پرس و جو و تحقیق درباره کناره‌گیریهای اجباری مقامات و اخراج مقامات فاسد، انتشار گزارشهای قضایی و انتشار و پخش توصیه‌هایی است که توسط سازمانهای نظارتی عرضه می‌شود و غیره. در مقابل برای تأثیرات این اقدامات می‌توان به حیات بخشیدن به مباحث عمومی و بالا بردن درک عموم از پاسخگویی در میان سیاستمداران، سازمانها و نهادهای عمومی اشاره کرد. شیوه‌هایی که رسانه‌ها از آن طریق برای رویارویی با فساد اقدام می‌کنند، گونه‌های مختلفی دارد. جذابترین این شیوه زمانی است که بروکراتها و مقامات فاسد را مورد سؤال قرار می‌دهند و آنها را بعد از اینکه جرمشان برای عموم مردم آشکار شد، مجبور به استعفا می‌کنند. اما علاوه بر این، شیوه‌های با اهمیت دیگری نیز هست که رسانه‌ها از آن طریق مستقیماً در مقابل فساد می‌ایستند؛ به عنوان مثال، گزارشدهی که این امر خود می‌تواند سازمانهای دولتی را برای انتشار و اجرای گزارشهای رسمی درباره فساد ترغیب کند و علاوه بر این یافته‌های سازمانهای مبارزه کننده با فساد و نهادهای نظارتی را منتشر می‌سازد و در نتیجه اگر در اثر این اقدامات فشار عموم برای اصلاحات افزایش یابد، تأثیر بلندمدت و بالقوه رسانه‌ها به عنوان ابزاری در مقابل فساد نیز تقویت می‌شود.

جسور بودن و صراحت در رسانه‌ها سبب می‌شود که معایب و نواقص سیاستگذاران، قوانین و مقرراتی آشکار شود که سبب ایجاد فرصتهایی برای فساد می‌گردد و در نتیجه سبب افزایش فشار برای اصلاح آن می‌شود و یا حتی قبل از اینکه گزارشی منتشر شود، تحقیقات و پرس و جو‌هایی که توسط خبرنگاران در باره تخلفات آشکار انجام می‌گیرد، سبب می‌شود که مقاماتی که خواهان حفظ دیدگاه مثبت افکار عمومی نسبت به خود هستند، قبل از انتشار هر گونه گزارشی از آن کار دست بردارند. با آشنایی کلی از این اقدامات در ادامه به طور مختصر به بیان برخی از کارکردهای رسانه‌ها برای پیشگیری از فساد می‌پردازیم:

• تحقیق و پرس و جو درباره مقامات رسمی و رؤسای سازمانها

یکی از آشکارترین مواردی که رسانه‌ها می‌توانند به طور بالقوه مانع از فساد شوند، زمانی است که مقامات مسئول و رؤسای سازمانها، شغل خود را به علت گزارشهای صریح رسانه‌ها و در نتیجه افزایش اعتراضات عمومی از دست می‌دهند و زمانی که این مقامات، شغل خود را به دلیل گناهکار بودنشان از دست بدهند، نتایج مختلفی نیز در پی آن ایجاد می‌شود که به عنوان عوامل بازدارنده فساد مطرح است؛ از قبیل تحقیر نزد عموم، از دست دادن مقام و منزلت اجتماعی و درامدی و غیره و علاوه بر این ناآرامی‌هایی که به دنبال عزل مقامات عالی‌رتبه ایجاد می‌شود به افزایش استانداردهای پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری (عمومی) کمک می‌کند.

• بهبود پرس و جو و تحقیق توسط خود نهادها و سازمانهای دولتی

گرچه این شیوه شاید سبب برکناری مقام یا مسئولی نشود در برخی مواقع عرضه گزارشهای صریح و بی‌پرده توسط رسانه‌های مستقل سبب می‌شود که مقامات و سازمانهای رسمی با در نظر گرفتن پیامد برخی از کارها به خودکنترلی و خودحسابرسی اقدام کنند (Feldman, 1998, 17).

• تقویت اقدامات و مشروعیت نهادهای نظارتی و بازرسی

اخبار و گزارشهای رسانه‌ها می‌تواند نقشی بسیار مهم در کارایی و اثربخشی اقدامات نهادهای نظارتی ایفا کند (Ibid). به طور ساده زمانی که رسانه‌ها گزارشهای دقیق و مفصلی از اقدامات این سازمانها عرضه می‌کنند، سبب تقویت اقدامات آنها در این گونه بازرسیها، و در نتیجه سبب شود که سازمانهای نظارتی از نهادهای قدرتمند دیگری که سعی در اخلال در کار آنها دارند، مستقل عمل کند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که رسانه‌ها و سازمانهای نظارتی باید رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ با یکدیگر داشته باشند؛ چون از یک سو منفعت رسانه‌ها در انتشار اطلاعات و دادن آگاهیهای درست و داغ به مردم است و از طرفی دیگر منفعت این گونه سازمانها انتشار گزارشهای آنها است. چون با این امر حمایت افکار عمومی از آنها برای کارشان بیشتر، و از این رو سبب

افزایش مشروعیتشان و ایجاد وضعیتی می‌شود که افراد و مقامات مورد بازرسی نتوانند در کارشان دخالت کنند.

• شکل‌دهی افکار عمومی در مخالفت با فساد در دستگاه‌های دولتی

گرچه شاید در برخی مواقع گزارش رسانه‌ها در باره اقدامات و رفتارهای غیرقانونی توسط سازمانها و مقامات رسمی به‌طور مستقیم به محکومیت و زیر سؤال رفتن آنها منجر نشود، این گزارشها می‌توانند سبب شکل‌گیری اعتراضات و مخالفت‌هایی در افکار عمومی علیه این‌گونه فعالیتها شود که در نهایت به شکست‌های اجتماعی و انتخاباتی این افراد و سیاستمداران و به‌طور کلی آن دولت منجر گردد.

• اعمال فشار برای تغییر قوانین و مقرراتی که فضای مناسبی را برای فساد ایجاد می‌کند.

یکی از شیوه‌هایی که رسانه‌ها به‌طور بالقوه می‌توانند جلوی فساد را بگیرند، مشخص ساختن نواقص و معایب برخی از قوانین و مقررات است که خود سبب ایجاد فرصت‌های مناسبی برای فساد می‌گردند. در این صورت مسئولان ذی‌ربط مجبور به تغییر یا اصلاح آن قوانین و مقررات می‌شوند. البته این‌گونه اعمال فشارها می‌تواند به‌صورت عرضه توصیه‌های خاص توسط رسانه‌ها نیز صورت گیرد.

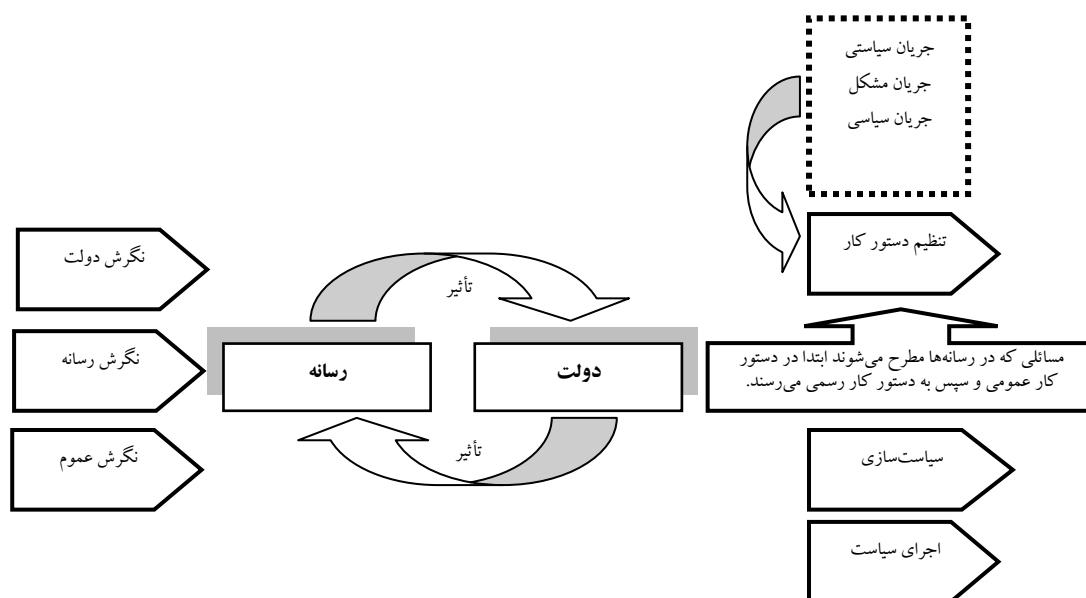
۲- تأثیر رسانه‌های جمعی در سیاستگذاری مبارزه با فساد

در تحلیل سیاستی دو بعد بسیار با اهمیت است: فرآیند و محتوا. رسانه یکی از گروه‌های تأثیرگذار بر فرآیند سیاستگذاری در مراحل مختلف آن است (Bauer, ۱۹۶۸, p.۲۱). سیاستگذاری مبارزه با فساد فرایندی است منظم که در این فرآیند در ابتدا مشکلات شناسایی می‌شود؛ راه‌حلهای مطرح، و سیاستها اتخاذ، و اجرا می‌شود و در نهایت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. رسانه‌ها در هر یک از این مراحل کارکرد مختلفی دارند. به عقیده اسکات شناپدر، رسانه نقشی اساسی بر فرآیند سیاستگذاری داراست به دلیل اینکه مجرا و قیف تنظیم‌کننده جریان ارتباطات بین سیاستگذاران و دیگران در هر نظام سیاسی است که به دنبال انواع سیاستهای مختلف هستند (Spitzer ۱۹۹۳, p.۹). از طریق رسانه‌ها شهروندان می‌آموزند که چگونه سیاستهای دولت بر آنها اثر می‌گذارد و دولتها در خصوص سیاستها و برنامه‌های خود بازخوردهایی را دریافت می‌دارند. به زعم فلچر و تاراس «سیاستمداران به تبلیغات برای ترقی خود و برنامه‌های خود نیاز دارند و گزارشگران به اطلاعات و نقل قولها برای داستانهای خود». علاوه بر این، پوشش رسانه‌ای سیاستها برخی نیازهای دیگر را نیز برآورده می‌سازد (Fletcher & Taras, ۱۹۸۴, p.۱۹۴)؛ به شهروندان اطلاعات ضروری و لازم را برای «مشارکت سیاسی مؤثر» می‌دهد و انجمنی برای «بحث درباره مسائل عمومی» فراهم می‌سازد؛ به دولت برای به‌گرددش درآوردن

«اطلاعات حیاتی درباره خدمات عمومی و موفقیت‌های دولت کمک می‌کند و فرصتهایی برای احزاب مخالف به منظور نقد دولت و پیشنهاد سیاست‌های جایگزین فراهم می‌آورد». دولت نیز غالباً از رسانه برای «بررسی افکار عمومی استفاده می‌کند». به طور کلی رسانه‌ها به عنوان مجرای اولیه بین کسانی عمل می‌کند که به دنبال تأثیر گذاری بر سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاران هستند؛ یعنی کنترل حوزه گفتمان سیاسی و تنظیم جریان اطلاعات (Fisher, 1991, p.2). یکی از نقش‌های اساسی رسانه‌ها در دموکراسی‌های امروز بررسی دقیق و موشکافانه امور دولتی است؛ یعنی به عنوان رکن چهارم دولت عمل می‌کنند تا تضمین کنند که دولت را می‌توان توسط مردم پاسخگو و مسئولیت پذیر نگاه داشت. بنابراین، رسانه‌ها مشارکت‌کنندگان فعالی در فرایند سیاست‌گذاری عمومی هستند و توانایی ایجاد تغییر یا حفظ وضع موجود به انتخاب گزینه‌ها و موضوعات آنها (یا مسئله سیاسی) و چگونگی شکل دادن به این موضوعات توسط آنها بستگی دارد. از این رو نقش رسانه به عنوان ناظر از قبل مهم‌تر خواهد شد (Fisher, 1991, p.2).

دیدگاه‌های اخیر درخصوص عملکرد رسانه‌ها در دموکراسی‌های مدرن، توجهات را به سمت کارکرد ارزیابانه و ناظرگونه رسانه‌ها جلب کرده است؛ یعنی رسانه که بعد از قوه مقننه، مجریه و قوه قضاییه رکن چهارم دولت را تشکیل می‌دهد نه تنها باید به آموزش و انتشار اطلاعات به عموم مردم بپردازد بلکه هم چنین عملکرد دولت را نیز کنترل و پایش کند. در بسیاری از دموکراسی‌های مدرن صریحاً از رسانه‌ها انتظار می‌رود تا به طور حیاتی و اساسی فرایندهای سیاسی را نظارت و پایش، و مشکلات و نگرانی‌های عموم را شناسایی، و آنها را به سمت بازیگران نظام سیاسی هدایت نمایند. پروتس و همکارانش (۱۹۹۱) رابطه بین رسانه و سیاست‌گذاران را به عنوان رابطه «همزیستی» توصیف کرده‌اند. در این رابطه خبرنگاران و سیاست‌گذاران نیروهای خود را به هم متصل کردند تا در رابطه ای تعاملی به اصلاح و تغییر سیاسی بپردازند به گونه ای که اهداف هر دو طرف را برآورده سازد. تعامل بین رسانه‌ها و دولت در تنظیم دستورکار، سیاست‌سازی و اجرای سیاست را می‌توان به صورت فرایندی پیوسته به تصویر کشید (Protess, 1991, p.120). شیوه‌ای که رسانه بر دولت در تنظیم دستور کار، سیاست‌سازی و اجرای سیاست تأثیر می‌گذارد، می‌تواند تحت تأثیر نیروها و عوامل متعددی باشد. این عوامل شامل رابطه دولت-رسانه، نگرش دولت به رسانه، نگرش رسانه به دولت و نگرش عموم مردم به دولت و رسانه است. در این فرایند، رسانه و دولت حالتی تعاملی دارند؛ رسانه بر دولت تأثیر می‌گذارد و برعکس.

شکل زیر فرایند ذکر شده را تشریح می‌کند:



شکل (۱): الگوی رابطه رسانه - دولت

در این فرایند، اگر رسانه بر دولت به صورت فعالانه و مؤثر نظارت و کنترل کند، می‌توان آن را ناظری بر سیاست و سیاستگذاری دولت دانست؛ اما اگر فقط آنچه را دولت می‌خواهد انجام دهد، می‌توان آن را مطیع و فرمانبر توصیف نمود.

به طور کلی تأثیر رسانه به عنوان ابزاری برای رویارویی با فساد، کمتر ملموس، و بیشتر غیرمستقیم است. تأثیرات رسانه‌ها در سیاستگذاری مبارزه با فساد در سطح وسیعتری در جامعه روی می‌دهد. مایکل جانسون یکی از صاحب‌نظران در زمینه مبارزه با فساد معتقد است که عوامل مختلفی هست که سبب پایدار شدن فساد در برخی از کارها می‌شود. در بسیاری از این موارد، رسانه‌های جسور و مستقل یکی از مؤثرترین نیروهایی هستند که می‌توانند در برابر این عوامل جلوگیری کنند (Michael, 1997, 22). رسانه‌های جسور و مستقل می‌توانند به عنوان مانعی غیرمستقیم در برابر برخی از انواع فساد عمل کنند که در صورت نبود رسانه‌ها شکوفا می‌شوند، اما رسانه‌ها با عرضه نظرها و گزارشهای مختلف، افکار عمومی را نسبت به آنها آگاه می‌سازند و مانع رشد آنها می‌شوند. دو عامل دیگری که با سطوح عالی فساد ارتباط بسیار نزدیکی دارند، «سطح پایین مشارکت عموم در مسائل سیاسی و عدم حمایت از آزادیهای مدنی» است (Ibid). در اینجا رسانه‌ها نقش وزنه تعادلی را ایفا می‌کنند بویژه زمانی که رسانه‌ها مباحثی را مطرح می‌کنند که عموم مردم را به مشارکت سیاسی تشویق می‌کنند و زمانی که این اقدام رسانه‌ها به ایجاد فشار برای افزایش آزادیهای مدنی از قبیل آزادی بیان منجر می‌شود. از عوامل دیگری که می‌تواند به عنوان نیرویی در برابر فساد مطرح باشد، جوامع مدنی سازمان یافته است؛ مانند نهادهای غیردولتی، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های فشار و

غیره. چنین گروه‌های فعال و سازمان‌یافته‌ای می‌توانند به عنوان مانعی در برابر دولت و هم چنین در برابر یکدیگر عمل کنند و هم چنین برای ایجاد فرهنگ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری بسیار با اهمیت هستند. این گونه نهادها اغلب در ارتباط تنگاتنگی با رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها خواسته‌های این گروه‌ها را منتشر می‌کنند و از این رو سبب تقویت آنها می‌شوند و آنها را برای تحقیقات و پرس و جوهای بیشتر ترغیب می‌کنند و در نهایت یافته‌های آنها را برای عموم منتشر می‌سازند (Ibid).

در آیین اسلام، علاوه بر قوانین کیفری و مقرراتی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، به مواعظ حسنه، انتقادهای دوستانه و راهنمایی‌های مفید و ثمربخش توجه شده است و تمام مسلمانان موظفاند نقایص و کمبودهای یکدیگر را تذکر دهند، اخلاق برادران را اصلاح کنند و برای سوق دادن جامعه به سوی کمال و فضیلت بکوشند. اما آنان حق ندارند به عنوان نهی از منکر و جلوگیری از فساد یا انتقاد، در گناهان و عیوب اخلاقی این و آن تجسس و پرده دری و آبروریزی کنند؛ زیرا همین جستجوهای افراطی، خود مصداق خصلت مذموم عیب جویی است که گناهی بزرگ محسوب می‌شود و مایه فساد اجتماعی است. به این ترتیب، رسانه‌ها در انتقاد از تخلفات باید مراقب باشند که اولاً، امور جزئی و اندک، بزرگ جلوه داده نشود. ثانیاً، موجب آشکار گردیدن گناه و اشاعه مفاسد نشود. در این موارد، باید حق و مصلحت رعایت شود. در ضمن نباید در برابر خوبی‌ها و موفقیت‌ها و افتخارآفرینی‌ها بی‌توجه و بی‌اعتنا بود. برخی عینک بدبینی بر دیدگان خود زده‌اند و همواره در جستجوی زشتی‌ها هستند. اینان را نمی‌توان از منتقدان دلسوز و ناصحان راستین شمرد. چنین اشخاصی مبتلا به بیماری روانی عیب جویی‌اند و چنان که حضرت علی(ع) توصیه فرموده‌اند، باید از آنان دوری گزید (غررالحکم و دررالکلم، ۲۸۷). «انتقاد بجا» مردم را واقع بین می‌سازد، افکار و اعمال را اصلاح می‌کند، راه رشد و ترقی را به روی جامعه می‌گشاید و زمینه ترقی و پویایی اجتماع را فراهم می‌آورد. اولین شرط انتقاد درست، آن است که منتقد منع قانونی یا قبح اخلاقی مطلب مورد انتقاد را شناخته باشد و با معرفت و آگاهی آن را تذکر دهد، نه از روی حدس و گمان و بر اساس گفته‌های مغرضان.

۳- اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای توانمندسازی رسانه‌ها در سیاستگذاری مبارزه با فساد

جمهوری اسلامی ایران طی چند سال اخیر، حرکتی جدید را در راه مبارزه با فساد آغاز کرده است که شروع آن با فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری(مدظله العالی) در سال ۱۳۸۱، است. نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر پیوند دین اسلام و سیاست است که احیای ارزشهای دینی را در زندگی اجتماعی مدنظر دارد. رادیو و تلویزیون در این نظام فراگیرترین رسانه‌های ارتباط جمعی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز دولت را موظف کرده است تا برای رسیدن به اهداف

والای انسانی و اسلامی، چرخه اطلاعات و تبادل آرا و عقاید را مورد توجه قرار دهد و در این راستا از رسانه‌های جمعی به صورت مطلوبی استفاده کند. در ادامه به برخی از نکات برجسته در اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای توانمند سازی رسانه‌ها در سیاستگذاری مبارزه با فساد اشاره می‌شود:

• استفاده از رسانه‌ها در پیشگیری از فساد

- در بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی بر «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» تأکید شده است. ماده ۴۴ «قانون خط مشی، اصول و برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۶۱» هم یکی از رسالت‌های صدا و سیما را «آموزش عمومی به منظور آشنایی مردم با حقوق فردی و اجتماعی، قانون اساسی و قوانین مدنی و جزایی کشور» اعلام کرده است.

- قوه قضاییه نیز مطابق «بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی» به اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» موظف شده است و باید همسو با سیاست‌های ایجابی سازمان صدا و سیما و نیز مطبوعات و سایر رسانه‌ها از این ظرفیتهای قانونی استفاده بهینه کند؛ بویژه با عنایت به اصل ۱۷۵ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهد داشت».

• حمایت از مطبوعات و آزادی‌های مدنی

- در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مفهوم آزادی بیان به عنوان حقی همگانی، صراحتاً اشاره شده است. آنچه در این باره موجود است به رسمیت شناختن این آزادی در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

- اصل ۲۴ قانون اساسی: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند».

- در اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز به موضوع آزادی بیان در صدا و سیما این گونه پرداخته شده است: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد». کانون توجه این اصل، معطوف به آزادی مطبوعات و آزادی بیان در صدا و سیما است تا جایی که مخالف مبانی اسلام و مخل حقوق عمومی نباشد.

- سند قانونی دیگر، که در آن به نوعی به حق مطبوعات در دسترسی به اطلاعات اشاره شده، ماده پنج قانون مطبوعات است. در این قانون توجه به کسب و انتشار اخبار در عبارت زیر بیان شده است: «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح

جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.» در این ماده نیز به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه، انتشار اخبار داخلی و خارجی آزاد دانسته شده است.

• توجه به پاسخگویی و شفاف سازی در دستگاه‌های دولتی با تهیه لایحه ارتقای سلامت

نظام اداری و رویارویی با فساد کشور

به موجب این لایحه، ارتقای سلامت نظام اداری به شیوه‌های زیر تحقق می‌یابد:

- شفاف سازی کارها و فعالیتها و افزایش پاسخگویی

- افزایش رضایتمندی خدمت گیرندگان و احقاق حقوق و احترام به ارباب رجوع

- بهبود فرهنگ عمومی و تقویت نظارت مردمی

- بهبود فرهنگ سازمانی و تقویت ارزشهای دینی و اخلاقی در رفتار سازمانی و شغلی کارکنان

- تقویت مشارکت و فعالیت بخشهای غیردولتی با رفع موانع انحصاری در فعالیتهای اقتصادی،

اجرایی و توسعه ای کشور

- تدوین نظام حقوقی مؤثر برای پیشگیری و مبارزه با فساد و افزایش سلامت در اتخاذ

تصمیمات، اقدامات و فعالیتهای سازمانهای دولتی و عمومی

- لایحه تشدید مجازات سوء استفاده کنندگان از اطلاعات منتشر نشده و نیز افشای غیرقانونی

اطلاعات اشخاص نزد دستگاه‌های مختلف

- لایحه حمایت از مخبران و شهود

- لایحه چگونگی پاسخگویی به مردم و تأمین و تولید اطلاعات مورد نیاز دستگاه‌ها و

واحدهای نظارتی و بازرسی

- تدوین لایحه چگونگی پاسخگویی به مردم و تأمین و تولید اطلاعات مورد نیاز دستگاه‌ها و

واحدهای نظارتی و بازرسی

• توجه به حق دسترسی آزادانه و جریان آزادانه اطلاعات

با بررسی این لایحه می‌توان دریافت که حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به عنوان یکی از

اصول اساسی دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان حقی همگانی پذیرفته شده و بسیار

مورد توجه مسئولان و قانونگذاران نظام است. در مقدمه این لایحه، هدف از آن ایجاد شفافیت و

پاسخگویی در مؤسسات عمومی و کمک به این مؤسسات برای رسیدن به مردم‌سالاری مشارکتی

ذکر شده است. این لایحه در واقع تأمین‌کننده حق دسترسی به اطلاعات نزد مؤسسات عمومی برای

همه اشخاص حقیقی و حقوقی و هم چنین گذاشتن این تکلیف بر عهده مؤسسات عمومی است که

اطلاعات نزد خود را مطابق قانون منتشر سازند. دسترسی به اطلاعات مؤسسات خصوصی نیز

چنانچه این اطلاعات برای احقاق حقوق فردی یا حفاظت از این حقوق لازم باشد در قانون

پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۲ این لایحه «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود». طبق لایحه آزادی اطلاعات ایران، همه افراد از حق جستجو، کسب و اشاعه اطلاعات در چارچوب قانون برخوردارند. اجبار تهیه‌کنندگان اطلاعات عمومی و روزنامه‌نگاران به انتشار یا پخش اطلاعات و هم چنین اجبار آنها به افشای منابع اطلاعاتی خود، ممنوع است. هرگونه استثنایی در حق دسترسی به اطلاعات باید محدود و مشخص و مستند به قانون و قابل تجدیدنظر در یک مرجع مستقل باشد.

۴- راهکارها و توصیه‌های سیاستی توانمندسازی رسانه‌ها در سیاستگذاری مبارزه با فساد

رسانه‌های جمعی به عنوان ناظر با قرار دادن دستور کار رسانه‌ای در دستور کار دولت نقش برجسته‌ای در فرایند سیاستگذاری ایفا می‌کنند؛ لذا برای تقویت و تحکیم نقش رسانه‌های جمعی در سیاستگذاری مبارزه با فساد راهکارها و توصیه‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

• خصوصی سازی رسانه‌ها

تحلیلها حاکی است که خصوصی‌سازی رسانه‌های خبری به توانمند شدن، استقلال و افزایش ظرفیت رسانه‌ها در مبارزه با فساد منجر می‌شود. در بعضی از کشورها رسانه‌ها عمدتاً دولتی هستند که این امر باعث وابستگی رسانه‌ها می‌شود. جرمی پاپ پیشنهاد می‌کند که باید تلاشهایی به منظور توانمندسازی و استقلال رسانه‌ها از طریق خصوصی‌سازی رسانه‌های دولتی صورت گیرد (Pope, TI Sourcebook). شبکه‌های تلویزیونی دولتی در برخی کشورها از شهرت جهانی برخوردارند. به نظر می‌رسد ترکیبی از رسانه‌های خبری دولتی و خصوصی می‌تواند راه حل مطلوب باشد. حضور رسانه‌ها با مالکیت‌های مختلف نقد و فضای آزاد رسانه‌ای و تضارب آرا را به وجود می‌آورد و نوعی رقابت رسانه‌ای را سبب می‌شود که از این جریان در زمینه مبارزه با فساد می‌توان استفاده کرد.

• حمایت از اصحاب رسانه

باید در نظر داشت که خبرنگارانی که درصدد انتشار نتایج کار خود در زمینه مبارزه با فساد هستند با انواع تهدیدات جسمی و روانی روبه‌رو می‌شوند. در کشورهایی که در آنها گروه‌های قومی متعددی هستند، این امر، نوعی از ترس را در رسانه‌ها ایجاد می‌کند؛ چون اگر آنها موارد فساد و تخلف یکی از اعضای قوم را منتشر کنند، ممکن است جامعه قومی آنها را نیز متأثر کند (Githongo, ۱۹۹۷, ۱۳). این امر نوعی الزام روانی ایجاد می‌کند که ممکن است رسانه‌ها را وادار کند از عرضه گزارشهای دقیق و آزاد خودداری کنند.

اغلب اوقات، خبرنگارانی که گزارشها را در مورد موارد فساد منتشر می‌کنند، زندگیشان در معرض خطر قرار می‌گیرد. خبرنگاران بسیاری هستند که به دلیل انتشار چنین گزارشهایی دستگیر و حتی کشته شده‌اند. در این موارد از تهدید به قتل به‌عنوان شیوه‌ای به منظور ساکت کردن چنین خبرنگارانی استفاده می‌شود. طبق گزارش کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران نیویورک از هفده خبرنگار کشته شده در نیمه اول سال ۱۹۹۸، حداقل هفت نفر از کلمبیا، مکزیک، فیلیپین، روسیه و تایلند بوده‌اند که مواردی از فساد را مورد بررسی قرار داده یا منتشر کرده بودند (CPJ, ۱۹۹۸). اگرچه کارهای زیادی در زمینه حمایت از خبرنگاران در مقابل تهدیدات روانی نمی‌توان انجام داد، حمایت از حقوق خبرنگاران و امنیت آنها به منظور تأمین شرایط لازم برای ایفای نقش آنها در زمینه مبارزه با فساد ضروری است.

• دسترسی به اطلاعات

توانایی شهروندان در به دست آوردن اطلاعات در خصوص فعالیتهای دولت، دسترسی به اطلاعات تعریف می‌شود. حق دانستن به پاسخگویی مربوط می‌شود که یکی از اصول اساسی حکمرانی خوب است. وقتی فعالیتهای مقامات دولتی و فرایندهای تصمیم‌گیری دولت به منظور بررسی عموم مردم باز و آزاد نباشد، قضاوت آگاهانه اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت است. در نبود چنین بررسی و قضاوتی دولتها می‌توانند تعهداتی را در زمینه منابع اساسی، بدون هیچ بحث و بررسی گذشته‌نگر و آینده‌نگری ایجاد کنند. اعلامیه ژوهانسبورگ، که در سال ۱۹۹۵ منتشر شده، در این خصوص حائز اهمیت است؛ زیرا تعادلی میان حق شهروندان در دسترسی به اطلاعات و حق دولتها و وظیفه آنان در تأمین امنیت ایجاد می‌کند (بویژه اصل ۱۱) که می‌نویسد:

"امنیت ملی از مواردی است که ممکن است محدودیتهای قانونی در خصوص دسترسی شهروندان به اطلاعات به وجود آورد. اما هر فرد حق دارد اطلاعاتی را از مقامات دولتی به دست آورد که شامل اطلاعاتی درباره امنیت ملی هم می‌شود. هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد مگر اینکه دولت اعلام کند که طبق قانون در این زمینه محدودیتهایی وجود دارد که در جوامع مردم‌سالار به منظور حمایت و تأمین منافع ملی ضروری است."

پیش‌شرطهایی به منظور برخورداری از حق دسترسی آزادانه به اطلاعات باید وجود داشته باشد؛ از جمله ثبات سیاسی، قوه قضاییه مستقل، وجود زیرساختهای مناسب. ثبات سیاسی ضروری است زیرا سیاستمداران را در حفظ جایگاه خود مطمئن‌تر می‌کند و خطر ورود شهروندان را به مباحث تصمیم‌گیری کاهش می‌دهد. قوه قضاییه مستقل از جهت ایفای نقش واسطه میان دولت و شهروندان و پاسخگویی دولت اهمیت دارد و وجود مجموعه مناسبی از زیرساختهای ارتباط ملی به منظور دسترسی واقعی به اطلاعات نیز با اهمیت قلمداد می‌شود. این زیرساختها شامل زیرساختهای

فیزیکی (رادیو، تلویزیون و ...) و توانایی خود مردم (آموزش) در به دست آوردن اطلاعات است (Githongo, ۱۹۹۷, ۳۳).

وجود اطلاعات دقیق و کافی یکی دیگر از پیش شرطهای دسترسی به اطلاعات است. بررسیها نشان می‌دهد که اطلاعاتی که در کشورهای در حال توسعه منتشر می‌شود، کمتر قابل اطمینان و بیشتر ذهنی است؛ از این رو کنترل و دقت زیادی در استفاده از این اطلاعات باید به کار رود. کشورهای در حال توسعه معمولاً از عدم ثبات سیاسی، اطلاعات ناقص و زیرساختهای نامناسب رنج می‌برند؛ از این رو به نظر می‌رسد دسترسی به اطلاعات در این کشورها محدود است.

• پاسخگویی رسانه‌ها

در حالی که پاسخگویی مقامات دولتی به مردم از طریق رسانه‌ها بسیار مهم تلقی می‌شود، خود رسانه‌ها نیز باید اصل پاسخگویی را رعایت کنند؛ یعنی رسانه‌ها باید در خصوص گزارشهایشان به عموم مردم و دولت پاسخگو باشند. این امر آگاهی خبرنگارانی را که در این حوزه قلم می‌زنند نیز شامل می‌شود. از این رو خبرنگار باید اصول مردم‌سالاری را، که به آنها نقش مهمی در زمینه مبارزه با فساد داده است، حفظ کند و بهبود بخشد (Ibid, ۴۸). رسانه‌ها باید طبق ارزشهایشان عمل کنند و باید علیه پدیده فساد، عقب‌ماندگی، توسعه مردم‌سالاری و حقوق شهروندی فعالیت کنند. به منظور تحقق این فکر، آنها باید نقش نهادهای نظارتی جامعه را به عهده گیرند؛ در عین حال باید پاسخگو نیز باشند. از عوامل عقب‌نشینی رسانه‌ها در زمینه پاسخگویی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: اجبار و بی‌علاقگی مقامات دولتی به منتشر کردن اطلاعات؛ نظام قضایی که ممکن است محدودیتهایی را در زمینه تهمت زدن رسانه‌ها به اشخاص ایجاد کند؛ محدودیتهای مالی و وابستگی رسانه‌ها هم می‌تواند باعث عقب‌نشینی آنها در مبارزه با فساد شود.

• آزادی رسانه‌ها

آزادی رسانه‌ها در کنار پارلمان کارآمد و قوه قضاییه مستقل یکی از پیش شرطهای حکمرانی خوب است. رسانه‌ها در زمینه مبارزه با فساد نقش دوگانه‌ای دارند: اول افزایش آگاهی مردم درباره فساد و دوم بررسی و عرضه گزارشهایی در باره فساد به شیوه‌ای حرفه‌ای و اخلاقی.

رسانه‌ها برای اینکه کارآمد باشند، باید آزاد باشند. خبرنگاران باید بتوانند بدون دخالت و فشار از سوی دولت به بررسی و گزارش موارد خلاف بپردازند. برخی از قوانین و فشارهای دولتی می‌تواند مانع خبرنگاران در مبارزه با فساد باشد. این فشارها به حدی ممکن است اعمال شود که خبرنگاران را به خودسانسوری وادار کند. دولتها از طریق فشارهای مالی می‌توانند در فعالیت رسانه‌ها مانع ایجاد کنند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منبع اصلی تبلیغات خود دولت است و در مواردی غیر از این، دولت فعالیت رسانه‌ها را کنترل و محدود می‌کند. نقش رسانه‌ها و

آزادی بیان، که اولین آزادی نامیده می‌شود، بسیار حیاتی است. در واقع اولین تلاش موفق دولتها در تضييع حقوق بشر با محدود کردن آزادی رسانه‌ها آغاز می‌شود. گاهی این آزادی انکار، و گاهی محدود می‌شود. نظام قضایی می‌تواند از آزادی مطبوعات و رسانه‌ها حمایت کند؛ از این رو یکی از پیش شرط‌های ایجاد مطبوعات آزاد، نظام قضایی است که مستقل از تأثیرات سیاسی می‌تواند بازوی اجرایی قانون اساسی در حمایت از آزادی مطبوعات باشد.

• شورای رسانه‌ها

در بعضی دموکراسیهای جوان و شکننده، تجربه رسانه‌ها محدود، و حس مسئولیت این رسانه‌ها کمتر است. در این زمینه ایجاد شورای رسانه‌ها مناسب به نظر می‌رسد. اگر چه این شورا نمی‌تواند خیلی موفق باشد، می‌تواند وضعیتی را برای شکایت مردم علیه رسانه‌ها فراهم کند. شورای رسانه‌ها باید مستقل باشد و توسط مردم اداره شود (Ibid). خط باریکی میان خبرنگار مسئول و غیرمسئول وجود دارد. مکان و زمان از عواملی است که بر قضاوتها تأثیر می‌گذارد. فشار اخلاقی و شورای رسانه‌ها بهترین راه برای شکل‌گیری رسانه‌های مسئول است و از این طریق راه مبارزه با فساد آسانتر خواهد شد.

• خودکنترلی و خودتنظیمی رسانه‌ها

مؤثرترین نظام برای تأمین آزادی مطبوعات جایی است که رسانه‌ها خود قادر به قضاوت دقیق درباره خودشان باشند. خود تنظیمی، خودآگاهی کارکنان رسانه‌ها و کدهای اخلاقی که اعضای این حرفه پذیرفته‌اند از مشخصات اصلی پاسخگویی رسانه‌ها قلمداد می‌شود. این تنظیمات تلاشی است توسط خبرنگاران به منظور ایجاد قوانین و اصولی که آنها را در زمینه مسئولیتشان و آزادی مطبوعات راهنمایی می‌کند. از طریق قضاوت‌های مسئولانه سردبیران و خبرنگاران که با حمایت قضایی ترکیب می‌شود، فرهنگ و سنت آزادی رسانه‌ها توسعه می‌یابد و این فرهنگ آزادی رسانه‌ها را تضمین، و آنها را قادر می‌کند به‌عنوان دیده‌بان و ناظر مقامات دولتی عمل کنند. رسانه‌ها باید اعتماد مردم را به دست آورند و این امر با تلاش زیاد، استقلال، واقعگرایی و حرفه‌ایگری آنها به دست می‌آید.

• آموزش خبرنگاری جستجوگر

خبرنگاری جستجوگر را می‌توان فرایند جمع‌آوری واقعیات درباره رخداد‌های جاری، به منظور اطلاع‌رسانی عمومی از طریق روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و ... دانست. اجرای این کار مستلزم وجود خبرنگارانی است که مهارت‌های بی‌نظیری دارند و آموزش‌های لازم را فرا گرفته‌اند بویژه مهارت‌های پژوهشی، ارتباطی و تحلیلی که می‌تواند کار آنها را مؤثرتر کند (James, 1990: 51). علاوه بر این باید تواناییهایی را برای متعادل کردن قضاوت‌های سیاسی و اجتماعی به دست آورند. شکست آنها در این زمینه اعتماد مردم را به کار آنها به خطر می‌اندازد. اگر خبرنگاران بخواهند اخبار را به شکل عادلانه

و دقیق پوشش دهند و منتشر کنند، باید دانش و ابزارهای لازم را برای آن به دست آورند. اشتباهات روزنامه‌نگاران در جمع‌آوری، پردازش و استخراج نتایج از وقایع مشاهده شده و سرانجام بیان این اتفاقات ناشی می‌شود. این اشتباهات براهتی قابل پیشگیری است. خبرنگاران در زمینه مبارزه با فساد باید ماهیت این پدیده و لزوم مبارزه با فساد و اعمال خلاف را دریابند (Ibid). در نتیجه آموزش مناسب می‌تواند کیفیت کار خبرنگاران را افزایش دهد و امکان اعتماد رسانه‌ها را افزایش دهد. آموزش خبرنگاری جستجوگر باید خبرنگاران را از وجود کارهای فسادآمیز، و از این طریق عموم مردم را از پیامدهای خطرناک فساد در جامعه آگاه کند.

نتیجه‌گیری

اجرای اصلاحات در جهت مبارزه با فساد مستلزم عزم سیاسی، درستکاری، صداقت و توان سازمانی است. مبارزه اثربخش با فساد مستلزم بکارگیری استراتژی‌هایی است که دارای ماهیتی جامع بوده و به گونه‌ای موفقیت‌آمیز قادر به ادغام اصلاحات در حیطه‌ای گسترده از ساختارهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی یک جامعه باشند. در سطح بین‌المللی نیز جنبه‌های فراملی بسیاری وجود دارد که کشورها به تنهایی قادر به مقابله کارا با آن نیستند و مستلزم اقدام جامعه جهانی به عنوان یک کل است. استراتژی‌های ضد فساد نیز همانند استراتژی‌های توسعه باید «جامع و کامل، یکپارچه، مبتنی بر اطلاعات، غیرتعصبی، شفاف و اثرگرا» باشند. مشارکت دادن گروه‌های مختلف سبب افزایش انتظارات، کاهش مقاومت و در نتیجه افزایش احتمال موفقیت برنامه‌های اصلاحی می‌گردد.

زمانی که تبادل مستقیم و چهره به چهره اطلاعات بین تمامی بخشهای جامعه غیرممکن است، رسانه‌های جمعی واسطه اطلاعات بین مخاطبان و بازیگران سیاسی می‌شوند و بنابراین یکی از مهمترین زیرسیستم‌های جامعه را تشکیل می‌دهند؛ لذا محدود کردن رسانه‌ها به کارکرد اولیه انتشار اطلاعات نه تنها محدودیتی ناکارآمد برای رسانه‌ها است، بلکه هم چنین به معنی از بین بردن و تحریف نقش قانونی رسانه‌ها در فرایند شکل‌دهی به افکار عمومی است. یکی از مهمترین فواید رسانه‌ها در زمینه مبارزه با فساد این است که می‌توانند براهتی در میان جمعیت کشور منتشر شوند؛ از همین روست که گزارشهای رسانه‌ها در مورد فساد مقامات دولتی، نتایجی را در بر دارد که باعث می‌شود این امر مورد توجه مقامات قضایی و عموم مردم قرار گیرد. می‌توان با حمایت‌های مختلف از رسانه‌ها در رویارویی با تهدیدات و خطرهایی که زندگی و کار آنها را تهدید می‌کند، مانند خصوصی سازی رسانه‌ها، حمایت از اصحاب رسانه، آزادی رسانه‌ها، تشکیل شورای رسانه‌ها و آموزش خبرنگاری جستجوگر توانمند شدن آنها را تضمین کرد. دسترسی به اطلاعات نیز بسیار با اهمیت است. رسانه‌ها بدون اطلاعات قابل اعتماد و دسترسی قابل اطمینان به اطلاعات در زمینه

مبارزه با فساد، شدیداً تحت فشار خواهند بود. اغلب، رسانه‌ها را به عنوان رکن چهارم حکومت پس از قوه مجریه، مقننه و قضاییه می‌نامند که البته نقش مهمی دارند؛ زیرا رسانه‌های جمعی یک ملت را با خودش و با سایر ملتها متصل و مرتبط می‌کند و از این طریق است که مقامات یک ملت، مشکلات و خواسته‌ها مردمی را که به آنها خدمت می‌کنند، می‌فهمند و از همین مسیر، مردم ظرفیت، توان و سیاستهای آن مقامات را درک می‌کنند.

فهرست منابع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. لایحه ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد در کشور.
۳. لایحه جریان آزدانه اطلاعات در ایران.
۴. مهرداد، هرمز، مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، فاران، ۱۳۷۹.
۵. "Helping Countries Combat Corruption: The Role of the World Bank," PREM Network, the World Bank, Washington, D.C., September ۱۹۹۷.
۶. Bauer, R. A., & Gergen, K. J. (Eds.). (۱۹۶۸). the study of policy formation. New York: Free Press.
۷. Committee to Protect Journalists, New York, CPj website (<http://www.cpj.org/>), ۱۹۹۸.
۸. Fletcher, F. J., & Taras, D. G. (۱۹۸۴). The mass media and politics: An overview. In M. S. Whittington & G. Williams (Eds.), Canadian politics in the ۱۹۸۰s (۲nd ed.).
۹. International Federation of Journalists. "The Right to Know: Access to Information in African Countries." African Regional Conference. July ۲۵-۲۷, ۱۹۹۷.
۱۰. John R. Fischer. (۱۹۹۱). News Media Functions in Policy Making, (Athabasca University), Canadian Journal of Communication, Vol ۱۶, No ۱.
۱۱. John, Githongo. "The Role of Journalists in Combating Corruption in Kenya" ۱۹۹۷.
۱۲. Johnston, Michael. "What Can Be Done About Entrenched Corruption?" Paper prepared for Annual World Bank Conference on Development Economies, Washington, D.C. April ۳۰-May ۱, ۱۹۹۷.
۱۳. Katorobo, James. "Investigative Journalism: The Mutual Roles of the Media and the Civil Service in Exposing Misconduct." In "Investigative Journalism in Uganda I: Final Workshop Proceedings." Uganda. August ۱۴.
۱۴. Kaufmann, Daniel. Presentation Given to World Bank Staff, April ۱۹۹۹.
۱۵. Klitgaard, Robert. "Bolivia: Healing Sick Institutions in La Paz" in Governance and the Economy in Africa: Tools for Analysis and Reform of Corruption. Edited by Patrick Meagher. College Park, MD: University of Maryland (Center for Institutional Reform and the Informal Sector) ۱۹۹۶.

۱۶. Martin, Robert; Feldman, Estelle. "Access to Information in Developing Countries." A study Prepared for Transparency International. ۱۹۹۸.

۱۷. Martin, Robert; Feldman, Estelle. "Access to Information in Developing Countries." A study Prepared for Transparency International. ۱۹۹۸.

۱۸. Michael Barker. (۲۰۰۵). Manufacturing policies: the media's role in the policy making process, , Refereed paper presented to the Journalism Education Conference, Griffith University, ۲۹ November – ۲ December.

۱۹. Pope, Jeremy, (Ed) "TI Sourcebook ۷" Transparency International Berlin, Germany.

۲۰. Proffess et al. (۱۹۹۱). The Journalism of Outrage: Investigative Reporting and Agenda Publication, No. ۱۰. Norwich: CARE, University of East Anglia.

۲۱. Rose-Ackerman, Susan. "The Political Economy of Corruption: Causes and Consequences" Viewpoint, the World Bank No. ۷۴, April ۱۹۹۶.

۲۲. Spitzer, RJ. (۱۹۹۳). Media and Public Policy, Westport, London: Praeger Publishers Towards a Science of the Singular. Helen Simons (edited). CARE Occasional University of Chicago Press York: W. W. Norton.

۲۳. World Bank, ۱۹۹۷ World Development Report, Washington, D.C., ۱۹۹۷.

